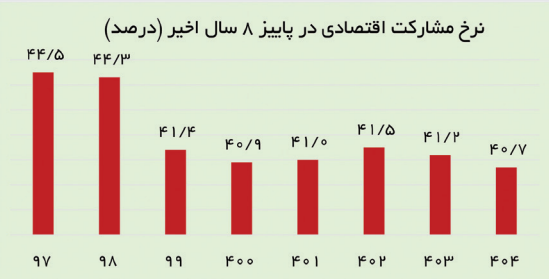


بازار کار

نرخ مشارکت اقتصادی درکف ۸ ساله

نرخ بیکاری پاییز ۱۴۰۴ منتشر شد و داده‌ها از شکسته‌شدن رکورد هفت‌ساله افت نرخ بیکاری در فصل پاییز خبر می‌دهد؛ رکوردی که هم‌زمان با کاهش مشارکت اقتصادی، بیانگر این است: افراد بیشتری بیکار و در عین حال، بخشی از جمعیت نیز اساساً از جست‌وجوی کار منصرف شده‌اند.

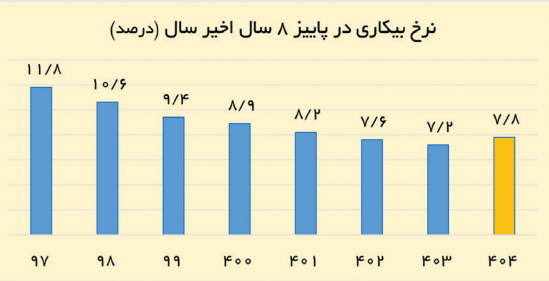
بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده، نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در پاییز امسال به ۷.۸ درصد رسیده؛ رقمی که نسبت به پاییز سال گذشته ۰.۶ واحد درصد افزایش نشان می‌دهد. این افزایش در ظاهر کوچک، در مقیاس ملی به معنای ده‌ها هزار بیکار جدید است.



خروج آرام مردم از بازار کار

امانگرانی فقط به رشد بیکاری محدود نمی‌شود. نرخ مشارکت اقتصادی نیز کاهش یافته و به ۴۰.۷ درصد رسیده؛ یعنی بخشی از جمعیت در سن کار دیگر حتی دنبال شغل هم نمی‌گردند. جمعیت غیر فعال اقتصادی طی یک سال حدود ۸۰۰ هزار نفر بیشتر شده؛ روندی که معمولاً نشانه ناامیدی از یافتن کار است.

همزمان، تعداد شاغلان کشور نیز حدود ۱۲۷ هزار نفر کمتر از سال گذشته شده؛ ترکیبی که نشان می‌دهد بازار کار نه تنها شغل جدید ایجاد نکرده، بلکه بخشی از فرصت‌های موجود را نیز از دست داده است.



جوانان؛ قربانیان اصلی رکود اشتغال

بیشترین فشار بیکاری روی دو گروه متمرکز شده است: جوانان و فارغ‌التحصیلان.

نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله به ۲۱.۵ درصد رسیده؛ یعنی از هر پنج جوان، یک نفر بیکار است.

در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال نیز بیکاری به ۱۵.۹ درصد رسیده.

نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیز ۱۰.۷ درصد ثبت شده و حدود ۴۰ درصد کل بیکاران کشور تحصیلات دانشگاهی دارند.

این آمار نشان می‌دهد تحصیلات دانشگاهی دیگر تضمینی برای ورود به بازار کار نیست و فاصله میان مهارت‌های آموزشی و نیاز واقعی اقتصاد همچنان پابرجاست.

بازار کار؛ خدمات بزرگ‌تر، تولید کوچک‌تر

ساختار اشتغال کشور نیز تغییر محسوسی داشته است. اکنون:

۵۳ درصد شاغلان در بخش خدمات فعالیت می‌کنند،

سه‌م صنعت به ۳۳ درصد رسیده،

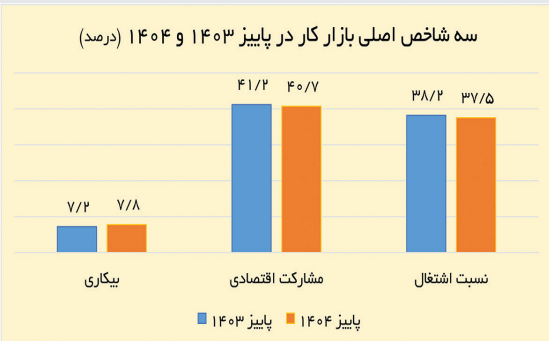
و کشاورزی تنها ۱۳.۶ درصد اشتغال را در اختیار دارد.

به بیان دیگر، اشتغال همچنان به سمت مشاغل خدماتی که اغلب ناپایدارتر و کم‌درآمدترند حرکت می‌کند و سهم بخش‌های تولیدی کاهش می‌یابد.

کار کم برای برخی، کار زیاد برای برخی دیگر

تناقض عجیب بازار کار این جاست: در حالی که گروهی اصلاً کار پیدا نمی‌کنند، گروهی دیگر بیش از حد کار می‌کنند.

حدود ۸ درصد شاغلان دچار اشتغال ناقص‌اند؛ یعنی کار دارند اما ساعت کاری آن‌ها کمتر از حد استاندارد است و به دنبال کار بیشتر می‌گردند. در مقابل، نزدیک به ۲۸ درصد شاغلان بیش از ۴۹ ساعت در هفته کار می‌کنند؛ نشانه‌ای از فشار کاری بالا و توزیع نامتوازن فرصت‌های شغلی.



پیام پاییز ۱۴۰۴ چیست؟

جمع‌بندی آمارها پیام روشنی دارد: مسئله بازار کار فقط کمبود شغل نیست؛ خروج بخشی از جمعیت از بازار کار، افزایش بیکاری جوانان و تحصیل کرده‌ها، رشد اشتغال ناقص و تمرکز کار در بخش خدمات نشان می‌دهد بازار کار کشور نیازمند سیاست‌های فعال اشتغال، اصلاح آموزش مهارتی و توزیع عادلانه‌تر فرصت‌های کاری است.

در غیر این صورت، رکوردهای بیکاری ممکن است در سال‌های آینده دوباره شکسته شوند؛ این بار با دامنه‌ای گسترده‌تر.

پیگیری مجلس برای افزایش ۲ مرحله‌ای حقوق در سال آینده با هدف جبران بخش بیشتری از هزینه‌های معیشتی و تعدیل اثر تورم

خبر خوب برای حقوق بگیران

محمد حقوقی
economice@khorasannews.com



اظهارات اخیر محمدباقر قالیباف در جریان بررسی بودجه ۱۴۰۵، بار دیگر بحث افزایش حقوق متناسب با تورم و حتی دو بار در سال را به صدر مباحث اقتصادی آورد. او در جلسه علنی دیروز مجلس، با اشاره به تورم‌های بالای ۵۰ و ۶۰ درصدی، تأکید کرد که «کجا نوشته شده فقط سالی یک بار می‌توان حقوق را افزایش داد؟» و پیشنهاد داد افزایش حقوق می‌تواند متناسب با تورم و حتی دو بار در سال انجام شود. رئیس مجلس همچنین از معافیت مالیاتی حقوق‌های زیر ۴۰ میلیون تومان، صفر شدن مالیات بر ارزش افزوده برای اقشار کم‌درآمد و افزایش نرخ این مالیات برای پرمصرف‌ها تا ۱۵ درصد سخن گفت؛ پیشنهادی که به گفته او می‌تواند منابع لازم برای تقویت قدرت خرید کارمندان و کارگران را فراهم کند.

شکاف مزدی و تورم؛ مسئله‌ای ساختاری

به گزارش خراسان، بحث مطرح‌شده از سوی رئیس مجلس، بریک واقعیت آماری تکیه دارد: طی سال‌های اخیر، رشد اسمی حقوق در ایران با قدرت خرید، غالباً کمتر از نرخ تورم بوده و در نتیجه قدرت خرید حقیقی خانوارها کاهش یافته است. ضمن این که در شرایط تورم فرآیندها، رشد دستمزدها طبق فرمولی که وابسته به داده‌های قبلی بوده تعیین شده و این به معنی فشار مضاعف علیه قدرت خرید مزدو حقوق‌بگیران است.

در اقتصاد کلان، این پدیده به «کاهش دستمزد حقیقی» تعبیر می‌شود؛ یعنی حتی اگر حقوق اسمی افزایش یابد، در صورت رشد سریع‌تر قیمت‌ها، قدرت خرید کاهش می‌یابد. به همین دلیل، در بسیاری از کشورهایی که تورم بالا را تجربه کرده‌اند، سازوکارهای «تعدیل دستمزد بر اساس تورم» به کار گرفته شده است.

تجربه ترکیه؛ افزایش‌های چندباره در سال‌های تورمی

نمونه قابل توجه در منطقه، ترکیه است. این کشور در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ با تورم‌های بالای ۶۰ و حتی ۸۰ درصد مواجه شد. بر اساس گزارش‌های رسمی TurkishStatisticalInstitute، نرخ تورم سالانه ترکیه در اکتبر ۲۰۲۲ به حدود ۸۵ درصد رسید. در آن سال میانگین نرخ تورم نیز بیش از ۷۰ درصد بوده است.

در واکنش به این وضعیت، دولت ترکیه در سال ۲۰۲۲ حداقل دستمزد را دوبار افزایش داد؛ یک بار در ابتدای سال و بار دیگر در میانه سال. همچنین در سال ۲۰۲۳ نیز افزایش‌های دومر حله‌ای اعمال شد. این اقدام با هدف جلوگیری از سقوط شدید قدرت خرید نیروی کار انجام گرفت. هرچند برخی اقتصاددانان هشدار دادند که این سیاست می‌تواند به «مارپیچ دستمزد-قیمت» دام‌ن‌بزند، اما دولت ترکیه آن را ضرورتی اجتماعی برای حفظ سطح معیشت دانست.

آمریکای لاتین؛ تجربه شاخص‌سازی دستمزدها

در آمریکای لاتین نیز کشورهایمانند آرژانتین و برزیل در دوره‌های تورم بالا، به‌نظา‌های تعدیل دوره‌ای دستمزد متوسل شده‌اند. در آرژانتین که طی سال‌های اخیر تورم‌های سه‌رقمی را تجربه کرده، قرار دادهای کاری اغلب شامل بندهای بازنگری فصلی یا شش‌ماهه حقوق هستند. گزارش‌های

صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که شاخص‌سازی گسترده دستمزدها در این کشورها همزمان با مهار تورم می‌تواند به تثبیت نسبی در آمد خانوار کمک کند، اما در صورت نبود انضباط مالی، خطر تشدید انتظارات تورمی را نیز به همراه دارد.

برزیل در دهه ۱۹۹۰ پیش از اجرای «طرح رئال»، از سازوکارهای شاخص‌سازی استفاده می‌کرد. هرچند این روش در کوتاه‌مدت از افت شدید دستمزد حقیقی جلوگیری می‌کرد، اما اقتصاددانان بعدها آن را یکی از عوامل تداوم تورم مزمن دانستند.

نکته مهمی که در این جا باید توجه داشت این است که در اغلب این کشورها، تعدیل‌های مکرر دستمزد به‌عنوان سیاست مهار تورم، بلکه به‌عنوان واکنشی جبرانی به تورم‌های مهارنشده به کار گرفته شد؛ تجربه‌ای که اقتصاددانان آن را بیشتر نشانه ضعف ابزارهای کنترل تورم می‌دانند تا راه‌حل پایدار آن.

مزایا و مخاطرات افزایش دوباره حقوق در سال

پیشنهاد رئیس مجلس ایران از منظر نظری، در چارچوب سیاست‌های جبرانی تورم قابل تحلیل است. مزیت اصلی افزایش چندمرحله‌ای حقوق، جلوگیری از شوک ناگهانی به معیشت خانوارهاست؛ به‌ویژه در شرایطی که تورم پیش‌بینی ناپذیر و بالاست. در چنین فضایی، تعیین افزایش حقوق بر اساس برآورد تورم سال آینده ممکن است فاصله‌زادی با واقعیت داشته باشد. اما چالش مهم، تأمین منابع مالی پایدار است. قالیباف پیشنهاد داده با افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده برای مصرف‌های بالاتر و صفر کردن آن برای اقشار کم‌درآمد، منابع لازم فراهم شود. این مدل تا حدی شبیه نظام‌های مالیات تصاعدی مصرف است که در برخی کشورهای اروپایی اجرا می‌شود؛ هرچند اجرای فنی آن نیازمند زیرساخت‌های دقیق اطلاعاتی و شفافیت تراکنش‌هاست.

از سوی دیگر، اقتصاددانان هشدار می‌دهند اگر افزایش حقوق بدون مهار کسری بودجه و کنترل رشد نقدینگی انجام شود، ممکن است خود به عامل فشار تورمی تبدیل شود. گزارش‌های تحلیلی بانک جهانی نشان می‌دهد در اقتصادهای با تورم بالا، سیاست‌های حمایتی باید همزمان با اصلاحات ساختاری در بودجه و نظام بانکی اجرا شوند تا اثرات پایدار داشته باشند.

عدالت مالیاتی و بازتوزیع

بخش دیگری از سخنان رئیس مجلس بر عدالت مالیاتی متمرکز بود؛ این که فردی با مصرف بالاتر نباید همان نرخ مالیات بر ارزش افزوده را بپردازد که فردی با مصرف حداقلی پرداخت می‌کند. در بسیاری از کشورها، کالاهای اساسی با نرخ صفر یا نرخ ترجیحی مالیات بر ارزش افزوده عرضه می‌شوند. برای



پیگیری مجلس برای افزایش ۲ مرحله‌ای حقوق در سال آینده با هدف جبران بخش بیشتری از هزینه‌های معیشتی و تعدیل اثر تورم



نمونه، در بریتانیا مواد غذایی اصلی از VAT معاف‌اند، در حالی که کالاهای لوکس مشمول نرخ کامل هستند.

اجرای چنین تکنیکی در ایران می‌تواند به تقویت سیاست‌های بازتوزیعی کمک کند، به شرط آن که شناسایی دهک‌ها و الگوهای مصرف با دقت و شفافیت انجام شود.

راهی میان حمایت و ثبات

پیشنهاد افزایش دوباره حقوق در سال، در خلأ مطرح‌نشده است؛ بلکه در بستری از تورم‌های بالا و کاهش مستمر قدرت خرید مطرح می‌شود. تجربه کشورهایی چون ترکیه و آرژانتین نشان می‌دهد این سیاست در شرایط تورمی سابقه‌داردومی‌تواند در کوتاه‌مدت از افت شدید معیشت جلوگیری کند. با این حال، همان‌تجربه‌ها هشدار می‌دهند که بدون انضباط مالی، کنترل انتظارات تورمی و اصلاحات ساختاری، چنین افزایش‌هایی ممکن است به چرخه تورم-دستمزد دام‌ن‌بزند.

اکنون پرسش اصلی پیش روی سیاست‌گذاران ایرانی این است: آیا می‌توان با طراحی دقیق مالیاتی، هدفمندسازی یارانه‌ها و کنترل کسری بودجه، مدلی از افزایش چندمرحله‌ای حقوق را اجرا کرد که هم‌قدرت خرید را حفظ کند و هم به بی‌ثباتی اقتصادی دام‌ن‌زند؟ پاسخ به این پرسش، نه فقط به تصمیم کمیسیون تلفیق و دولت، بلکه به توان نظام سیاست‌گذاری در ایجاد تعادل میان عدالت اجتماعی و ثبات اقتصاد کلان بستگی دارد.

خبر مرتبط

جزئیاتی تایید نشده از طرح مجلس برای حقوق‌ها

دیروز برخی رسانه‌ها جزئیاتی از طرح مجلس برای افزایش دومر حله‌ای حقوق کارمندان در سال آینده را منتشر کردند. اکو ایران در این باره نوشته است: حقوق‌ها از ابتدای سال ۱۴۰۵ حدود ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت و سپس در شهریورماه همان سال، بار دیگر به میزان مشخصی افزایش پیدا خواهد کرد. این تصمیم با هدف جبران بخش بیشتری از هزینه‌های معیشتی کارمندان و تعدیل اثر تورم اتخاذ شده است. به گفته رئیس مجلس، جزئیات نرخ افزایش دوم متعاقباً و بر اساس شاخص‌های اقتصادی تعیین و اعلام خواهد شد.

روایت زندگی لوکس با پول نفت ایران

بخش حنجالی این افشاگری به سبک زندگی برخی واسطه‌ها مربوط می‌شود. پورا ابراهیم می‌گوید افرادی که مدیریت حساب‌های واسطه را در اختیار داشتند، طی مدت کوتاهی صاحب ثروت‌های بزرگ شدند؛ خودروهایی فوق‌لوکس خریدند، در برج‌ها و هتل‌های گران‌قیمت امارات زندگی می‌کنند و حتی با محافظ شخصی تردد دارند. در شرایط فشار اقتصادی داخلی، این تصویر از بهر برداری شخصی از منابع نفتی کشور، حساسیت افکار عمومی را افزایش داده است.

خطر تازه: تسویه بدهی با کالا

همزمان، بحث تازه‌ای درباره امکان تسویه بدهی تراستی‌ها از طریق واردات کالا مطرح شده است. پورا ابراهیم این تصمیم را خطرناک می‌داند و معتقد است ممکن است کالاهای با قیمت بالاتر وارد شوند تا کسری بدهی ارزی جبران شود؛ به عبارتی بدهی ارزی با گران‌فروشی کالایی پنهان شود.

ضمانت‌هایی که کافی نبود